

روزنه

چه خواهد شد؟



امیرعلی ابوالفتح

● بعد از دیدار دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه چه خواهد شد؟ این سوآلی است که این روزها در اکثر محافل سیاسی و مطبوعاتی در مورد دیدار ترامپ و پوتین در کاخ ریاست جمهوری فلاند در هلسینکی پرسیده می‌شود. جواب‌ها نیز متنوع و اغلب متناقض هستند. گروهی نخستین دیدار سران آمریکا و روسیه را بعد از هشت سال، آن هم در اوج احساسات روس‌ستیز در آمریکا نشانه تغییر در مناسبات مسکو و واشنگتن ارزیابی می‌کنند و پیامد آن را توافق طرفی بر موضوعات حساس بین‌المللی می‌دانند. درحالی‌که گروه دیگر، اختلافات روسیه و آمریکا را عمیق‌تر از آن می‌دانند که با یک نشست و برخاست رؤسای جمهوری دو کشور حل‌وفصل شود؛ حتی اگر رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا تمام حیثیت سیاسی خود را به آشتی‌دادن دو کشور گره زده باشد. در این میان تردیدی نیست که ایران یکی از موضوعات مذاکراتی میان سران آمریکا و روسیه باشد و به همین دلیل دیدار ترامپ و پوتین در هلسینکی با دقت فراوان از سوی ایرانیان پیگیری می‌شود و سوآلاتی مطرح است:

۱- آیا آمریکا و روسیه بر سر ایران توافق خواهند کرد؟
۲- آیا روسیه آن‌گونه که جریان‌های بدبین معتقدند، ایران را به آمریکا خواهد فروخت؟
۳- آیا روسیه آن‌گونه که جریان‌های خوش‌بین معتقدند، ایران را در برابر آمریکا تنها نخواهد گذاشت؟

پاسخ به هر یک از این سوآلات، حداقل تا زمان افشای متن مذاکرات ترامپ و پوتین، تقریباً امکان‌ناپذیر است. بااین‌حال، تاکید بر چند موضوع، راهگشا خواهد بود.

اول: روسیه پوتین و آمریکای ترامپ با وجود عطش به آشتی، بر سر بسیاری از موضوعات جهانی و منطقه‌ای اختلاف‌نظر دارند. از جمله آینده ایران، توافق هسته‌ای با ایران – برجام – و نقش آفرینی ایران در منطقه غرب آسیا. آمریکا در بی‌مهار یا حتی در صورت توانمندی، در پی تغییر رژیم در ایران است و به همین دلیل ترامپ خروج آمریکا از برجام در هجدهم اردیبهشت‌ماه و بازگشت تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را اعلام کرده است. اما از دید روس‌ها – البته به‌استثنای جریان «آمریکادوست»- ایران وزنه مهمی در تعادل بخشی قدرت در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود و حفظ توافق هسته‌ای با این کشور، خطر نخلیدن ایران به سمت تسلیحات اتمی را در کشوری که دارای مرزهای آبی با روسیه است، از بین می‌برد. ضمن اینکه بدون نقش‌آفرینی ایرانی‌ها در روند مبارزه با جریان‌های افراطی در سوریه و عراق، داعشی‌ها بار دیگر ظهور خواهند کرد و نه‌فقط پایگاه‌های نظامی روسیه در سوریه را تهدید خواهند کرد، بلکه چه‌بسا جنگ با «روس‌های کافر» را تا کردن‌زنی حتی در میدان سرخ مسکو پیش ببرند.

دوم: هم روس‌ها و هم آمریکایی‌ها اهل معامله هستند و دیدار سران دو کشور بعد از هشت سال نیز به هدف رسیده و به معامله‌ای بهتر منجر شده است. هر دو کشور به یکدیگر برای پیشبرد اهداف جهانی خوش نیاز دارند. روس‌ها چشم‌انتظار کاهش تحریم‌های غرب و کسب سهم از مدیریت جهانی هستند درحالی‌که آمریکایی‌ها – با حداقل آمریکایی‌ها – حل برخی از مشکلات جهانی ازجمله مهار دو قدرت نوظهور چین و اتحادیه اروپا را بدون کمک روس‌ها امکان‌پذیر نمی‌دانند. ازاین‌رو، چه‌بسا حتی ترامپ و پوتین بر سر ایران نیز به توافقاتی همچون ضرورت حفظ موازنه نظامی میان تهران- ریاض، حمایت از اسرائیل در برابر ایران یا مهار آنچه آمریکایی‌ها رفتارهای بی‌ثبات‌کننده ایران می‌خوانند، برسند.

سوم: درنهایت، اگر روسیه بر سر ایران معامله کند و به گفته جریان‌های بدبین «ایران را به آمریکا بفروشد» دور از انتظار خواهد بود. زیرا برخلاف ستایش‌های ترامپ از پوتین، روسیه همچنان در اسناد بالادستی امنیتی آمریکا به همراه چین یکی از دو دشمن اصلی به شمار می‌آید و دشمنان اصولاً امتیازات استراتژیک به یکدیگر نمی‌دهند؛ مگر اینکه توازن قدرت میان آنان بر هم خورده باشد. در حال‌حاضر نیز هیچ نشانه‌ای از برهم‌خوردن توازن قدرت میان آمریکا و روسیه دیده نمی‌شود؛ حتی اگر بر یکی دونالد ترامپ و بر دیگری ولادیمیر پوتین حکومت کند.

ادامه از صفحه ۲

ورود رئیس‌جمهوری به موضوع احکام دانشجویان

این صحبت‌ها معطوف به گزارش ضابطان قضائی است که دانشجویان را دستگیر کردند. همان‌طور که در نامه استادان دانشگاه به رئیس‌جمهوری آمده بود: «با توجه به اینکه نهاد بازداشت‌کننده بسیاری از دانشجویان، وزارت اطلاعات دولت شماس و در عطف به مسئولیت جناب‌عالی در شورای عالی امنیت ملی، از شما می‌خواهیم که بدون فوت وقت دستور فرمایید که روند قضائی پیرونده‌های دانشجویان به طور کامل متوقف شود».

politics@sharghdaily.ir

لیلا ابراهیمیان: روز گذشته هلسینکی، پایتخت فنلاند، کانون رازبازی میان مسکو و واشنگتن بود؛ دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین، یک ساعت دیرتر از زمان تعیین‌شده در این شهر با هم دیدار کردند؛ دیداری خبرساز که قبل از شروع آن ترامپ گفته بود درباره همه چیز از جمله تجارت، مسائل نظامی، چین، اوکراین، ایران و سوریه صحبت خواهند کرد. ترامپ و پوتین در شرایطی با هم دیدار کردند که هنوز پرونده دخالت روسیه در انتخابات آمریکا باز است. اما رئیس‌جمهوری آمریکا به این مسئله اعتقادی ندارد؛ او در صفحه توئیتر خود در ارتباط با اتهام دخالت روسیه در انتخابات کشورش است، به‌شدت انتقاد کرده است. توئیتر وزارت خارجه روسیه توئیت رئیس‌جمهور آمریکا را «لایک» کرده است. اما دو رئیس‌جمهور در این دیدار تاریخی، درباره ایران چه گفتند؟ سه روز قبل، «یوری یوشاکوف»، مشاور امور خارجه رئیس‌جمهور روسیه، اعلام کرد «روز دوشنبه، ۱۶ جولای) ترامپ و پوتین درباره ایران و سوریه با هم گفت‌وگو خواهند کرد». مسکو به کانون توجه جهانی بازگشته است؛ از سویی برای صلح در سوریه با ایران و ترکیه در سوچی و آستانه در حال مذاکره است و از سویی دیگر با نخست‌وزیر اسرائیل درباره خروج نیروهای ایرانی از سوریه رایزنی کرده است. همچنین سخن از مذاکره او با اروپا و آمریکا درباره خروج نیروهای ایران در میان است و او درعین‌حال میزبان میهمان ایرانی

بود. شواهد نشان از برنامه پیچیده مسکو دارد؛ آخرین روزهای اردیبهشت سال جاری، یک روز بعد از دیدار «بشار اسد» با «ولادیمیر پوتین» در شهر ساحلی سوچی، «الکساندر لاورتیتف»، نماینده ویژه پوتین در امور سوریه، گفت: «بنابینه پوتین درباره خروج نیروهای خارجی از سوریه به نیروهای آمریکا، ایران، ترکیه و حزب‌الله مربوط می‌شود». این گفته‌ها واکنش‌هایی را برانگیخت؛ بسیاری از مقامات ایرانی گفتند حضور نیروهای ایرانی در سوریه به دعوت بشار اسد بوده و تا پایان تروریسم در منطقه، در آنجا حضور خواهند داشت. روز یکشنبه

روسیه همراه آمریکا در سوریه نیست



سباح رنگنه کارشناس مسائل سیاسی

دیدار رؤسای جمهوری آمریکا و روسیه در دو دهه گذشته کمتر اتفاق افتاده است؛ در سال ۱۹۹۷، بیل کلینتون با بوریس یلتسین در هلسینکی دیدار کرده و درباره توسعه ناتو به کشورهای حوزه بالتیک گفت‌وگو کردند. قبل از آن جورج بوش پدر در پایتخت فنلاند با میخائیل گورباچف، آخرین رهبر اتحاد شوروی سابق، دیدار داشت و آن دو درباره حمله عراق به کویت گفت‌وگو کردند. البته باراک اوباما هم با پوتین پشت درهای بسته دیدار داشت اما بعد از مدت‌ها با دیگر رؤسای جمهوری دو کشور دور یک میز برای مذاکره نشسته‌اند و برای همین دیدار ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ هم برای مسکو و هم برای واشنگتن درخور توجه است. دو کشور مسائل زیادی برای بحث و گفت‌وگو دارند. از زمان روی‌کارآمدن ترامپ در آمریکا مسئله‌های زیادی از تعامل و تنازع را بین طرفین شاهد بوده‌ایم. البته ترامپ از موضع پایین‌تری نسبت به پوتین برخوردار بوده است. پرونده‌های زیادی بوده که پوتین موفقیت بیشتری در مقایسه با ترامپ کسب کرده است. واشنگتن بیشتر روی اهرم تحریم‌ها نسبت به مسکو بحث کرده و خواسته با روسیه گفت‌وگو کند. یکی از نقاط اختلاف واشنگتن و مسکو، مسئله سوریه است. البته مواضع ترامپ درباره سوریه نوسانات زیادی داشته؛ این مواضع از «اسد باید کنار برود» تا ورود نیروهای نظامی آمریکا به سوریه متغیر بوده است و در بخش دیگری نیروهای آمریکایی در حمایت از نیروهای کرد و چراع سبز نشان‌دادن به ترکیه، این حضور را به‌صورت ناپایبی دنبال کرده‌اند یا آمریکا در بخش‌هایی از سوریه هم پایگاه نظامی ایجاد کرده است، اما روزبه‌روز این حضور با مشکلات بیشتری مواجه بوده و درگیری عمدی و اشتباهی میان

در صورت خروج نیروهای ایرانی – فارغ از تعداد و تجهیزات- از سوریه برای روسیه و دولت بشار اسد مشکلات جدی به وجود می‌آید. هنوز موضوع تروریسم در سوریه پایان نیافته و هنوز تهدیدهای منطقه‌ای اسرائیل پایرجاست. آمریکا و اسرائیل هم به قوت و قدرت حکومت اسد اعتراف کرده‌اند و دیگر سخنی از کناررفتن اسد دیده نمی‌شود، بنابراین هیچ مابه‌ازایی آمریکا نمی‌تواند به روسیه دهد و چنین خواسته بزرگی را روسیه درخواست کند تا نیروی‌های ایرانی سوریه را ترک کنند. آمریکا به واقع‌بینی زیادی نیاز دارد و باید با پیگیری مسیر دیپلماتیک و مسیر سیاسی در مذاکرات سوچی و آستانه اهداف خود را بری بگیرد. واشنگتن باید از متحدان منطقه‌ای خود در این راه کمک بگیرد. بی‌نتیجه‌بودن فعالیت منطقه‌ای آمریکا مشخص است و باید بداند که روسیه نمی‌تواند از مواضع آنها حمایت کند و در این موضع با آنها همراه باشد.

دیپلماسی

در هلسینکی چه گذشت؟



عسلی، Getty Images

حسین امیرعبداللهیان، دستیار ویژه رئیس مجلس شورای اسلامی در امور بین‌الملل، با بیان اینکه مستشاران نظامی ایران به دعوت دولت رسمی سوریه در این کشور حضور دارند، تاکید کرد نه آمریکایی‌ها، نه روس‌ها و نه هیچ قدرت دیگری در جایگاهی نیست که بتواند درباره خروج مستشاران ایرانی از سوریه حرف بزند یا تصمیم بگیرد.

اما مدتی بعد زرمزه‌هایی به گوش رسید که رئیس‌جمهوری آمریکا نیز در مذاکرات خود به خروج نیروهای ایرانی از سوریه تاکید کرده است؛ موضوعی

که چند روز گذشته در دیدار نتانیا‌هو و پوتین به آن اشاره شده بود. اما این درخواست را پیش‌تر «سرگی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه، «غیرواقع‌گرایانه» توصیف کرد. حالا پوتین و ترامپ از حضور نیروهای ایرانی در سوریه می‌گویند؛ حضوری که بارها واشنگتن به آن اعتراض کرده است. قبل از این؛ یعنی یازدهم تیر، جان بولتون، مشاور امور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا، از تغییر چشمگیر موضع کشورش درباره سوریه گفت. او پیش‌تر در گفت‌وگو با «سی‌بی‌اس»، درباره دیدار ترامپ و پوتین گفته بود: «این نشست روی آینده سوریه و پیشنهاد به مسکو برای کمک به خروج ایران از سوریه متمرکز است... این امکان وجود دارد که گفت‌وگوهای بیشتری برای کمک به خروج نیروهای ایران از سوریه و بازگرداندن آنها به خانه‌شان انجام شود که یک گام بزرگ خواهد بود».

بعد از مصاحبه بولتون، بلومبرگ مدعی شد رؤسای‌جمهور آمریکا و روسیه در نشست برنامه‌ریزی‌شده هلسینکی احتمالاً درباره عقب‌نشینی «نیروهای تحت حمایت ایران» از سوریه توافق می‌کنند؛ اما سخنگوی ریاست‌جمهوری روسیه خبرهای ادعایی مبنی بر آماده‌سازی برای توافق میان پوتین و ترامپ را درباره آنچه خروج نیروهای ایرانی از سوریه خوانده شده است، تکذیب کرده بود. حالا این دیدار انجام شده و تحلیلگران مسائل بین‌الملل درباره نتایج آن می‌گویند.

مسئله ایران در هلسینکی



فریدون مجلسی

اسرائیل میان آمریکا و روسیه توافق قدیمی وجود دارد. در این مذاکرات قطعا موضوع اوکراین و پیوستن کریمه به روسیه نیز مطرح می‌شود. روسیه مایل است پیوستن آن سرزمین رسی را به خاک خود قطعی ببخشد و از قید تحریم‌های غربی نیز آزاد شود و همچنین خواهان ادامه بهره‌مندی از پایگاه دریایی‌اش در لاذقیه سوریه در دریای مدیترانه است. غرب هم به احتمال زیاد برای قبول تمینّات روسیه و رسمیت‌دادن به آن بهایی می‌خواهد. به نظر می‌رسد این بها رفع تهدید موجودیت اسرائیل و رنگ غیرنظامی یا غیر تهدیدآمیز دادن به حضور ایران در سوریه خواهد بود. اینکه آنها چه تصمیمی را با توجه به چه امکاناتی بگیرند، یک مسئله و اینکه جمهوری اسلامی تا چه اندازه و به چه بهایی پذیرای امیال آنان باشد، مسئله دیگری است.

نیاید فراموش کرد که در شرایطی حاد به سر می‌ریم. سرران نظامی غرب در دیدار ناتو درباره مسئله موشکی ایران اتفاق‌نظر داشتند، روس‌ها نیز متحد اسرائیل و خواهان رفع مسئله هستند. میان روسیه و آمریکا اختلافات و تنش‌های دیگری هم وجود دارد؛ اما برای روسیه فیصله‌دادن مسئله اوکراین مسئله اصلی است. ایران می‌تواند مانند گذشته ضمن ادامه حمایت از حقوق و مواضع فلسطینی‌ها در شرایط اعتدالی‌تر و غیرتهدیدآمیز و با التزام به قوانین بین‌المللی پیش از هرگونه عملکرد یا فشار بیشتر که راهبرد را مشکل می‌کند، با تضمین حداکثر منافع ملی در باب مسیر نفت و گاز و همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی منطقه‌ای، بدون مصالحه دوجانبه اما در شرایطی غیرمخاصه‌آمیز فیصله‌ای به شرایط اجرایی برجام بدهد.

هلسینکی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم مرکز مذاکرات و میثاق‌های صلح بوده است و کنفرانس امنیت و همکاری اروپا و پیمان هلسینکی الگوی مناسبی به شمار می‌رود و شاید با گزینش این شهر برای این مذاکرات به این نکته نظر داشته‌اند.

ارتباط هستند. ایران حداکثر در سوریه یک نیروی زمینی دارد که تحت سایه قدرت هوایی و بین‌المللی روسیه فعالیت می‌کند. همان‌طور که آمریکایی‌ها در عراق این قدرت را دارند که سایر کشورهایی که در ائتلاف علیه صدام بودند، مدیریت کنند و حضور آنها منوط به سیاست‌های آمریکا بود یا در افغانستان و لیبی هم همین‌طور. یا در یمن امروز آنهایی که تحت ائتلاف

عربستان هستند، سیاست‌هایشان به رفتار عربستان بستگی دارد. روس‌ها درمورد اینکه ایران نباید هسته‌ای شود، با آمریکا توافق دارند. آن چیزی که مورد اختلاف است نحوه خلع سلاح یا ممانعت ایران از رسیدن به سلاح هسته‌ای است. آمریکا با خروج از برجام موضوع بحث هسته‌ای ایران را که بین‌المللی بود، از دستور کار خارج کرده و آن را به موضوع مناقشات ایران با آمریکا تبدیل کرده است. در این میان روس‌ها می‌توانند دو نقش داشته باشند: یا این ایران و آمریکا میانجیگری کنند یا تسهیل‌کننده حل‌وفصل آینده مناقشه باشند. اما آمریکایی‌ها به نظر می‌رسد به علاقه‌مند به حالت دوم باشد. یعنی دولت ترامپ علاقه‌ای به مذاکرات بین‌المللی ندارد و مذاکرات دولت با دولت و کشور با کشور را می‌پسندد. همان‌طور که با روس‌ها، انگلیس‌ها و کشورهای اروپایی به‌صورت تکتک مذاکره می‌کند با ایران هم علاقه‌مند است که مستقیم صحبت کند. بنابراین در اینجا هم چالشی به وجود می‌آید که آمریکایی‌ها روس‌ها را به این سمت سوق بدهند. در این وضعیت روس‌ها انتقال‌دهنده خواسته‌ها و فشارها به ایران هستند و تسهیل‌کننده مذاکراتی که در آینده شاید بین ایران و آمریکا اتفاق بیفتد، نخواهند بود. برای اینکه به نفع روس‌ها نیست که تحریم‌های ایران قبل از تحریم‌های روسیه برداشته شود بنابراین روس‌ها بازی را پیچیده می‌کنند که امتیازاتی بگیرند. در خبرها هم بود که نتانیا‌هو به پوتین پیشنهاد کرده بود که در ازای خروج ایران از سوریه تحریم‌های روسیه برداشته شود. اینجا هم برای اینکه روس‌ها بخوانند خواسته ترامپ را پیگیری کنند، خواسته متقابل خود را مطرح خواهند کرد.

رویداد

واکنش کمال خرازی به خاطرات امیرانتظام

● بعد از گذشت چند روز از درگذشت عباس امیرانتظام، کمال خرازی به بخشی از خاطرات که به سال ۸۱ در یک کتاب منتشر شده، واکنش نشان داده است.

به گزارش ایسنا، کمال خرازی در واکنش به آنچه به نقل از خاطرات مرحوم امیرانتظام در شبکه‌های اجتماعی منعکس شده، مبنی بر اینکه زمانی که خرازی معاون سیاسی وزارت خارجه بود، با جعل امضای قطب‌زاده یا در یک دعوت ساختی او را به تهران فراخوانده، گفت: این ادعا کذب است؛ زیرا این‌جانب بنا بر دستور دادستان وقت انقلاب، مرحوم شهید قدوسی و براساس رویه معمول وزارت خارجه و مسئولیتم به‌عنوان معاون سیاسی، ایشان را به مرکز فراخواندم و امضای کسی جعل شده است.

کتاب خاطرات عباس امیرانتظام، در دو جلد و در سال ۱۳۸۱ از سوی نشر نی منتشر شده است و دارای چهار بخش است: بخش اول بررسی دوران انقلاب، دولت موقت و سفارت، بخش دوم به رشه‌هایی علل بازداشت، بخش سوم به جمع‌بندی نکاتی چند از خاطرات و بخش چهارم به ضمانم و اسناد اختصاص یافته است.

در بخشی از کتاب امیرانتظام نحوه بازگشت خود از سوئد را چنین تعریف کرده است: «... قبل از اطلاع از این سفر غیرمنتظره به دنبال فعالیت و کوشش همه‌جانبه‌ای که برای افشاری اعمال جانیپاکرانه آمریکا در ایران می‌کردم، کتاب –coun ter coup نوشته کریمت روزولت را که اجراکننده کودتای ننکین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود، ترجمه کرده و همراه آورده بودم که با اصل کتاب انگلیسی، با کسب اجازه از امام در اختیار دانشجویان پیرو خط امام برای دفاع از موضع ایران قرار دهم...



ساعت ۹ شب چهارشنبه ۵۸/۹/۲۸ به کاخ وزارت امور خارجه رفتم و به محض ورود به داخل ساختمان، شخصی نام‌ای را به من داد که در آن از طرف دادستانی کل انقلاب خواسته شده بود تا برای توضیحاتی به دادستانی مراجعه کنم... در اواخر آذر ۱۳۵۸ طبق دعوت ساختگی کمال خرازی، معاون وقت وزارت امور خارجه و بدون اطلاع وزیر امور خارجه وقت، صادق قطب‌زاده، به تهران آمدم و در ۲۸ آذر ۱۳۵۸ به طور غیرقانونی بازداشت شدم».

بعد از پیروزی انقلاب، امیرانتظام به‌عنوان معاون نخست‌وزیر (باززرگان) و سخنگوی دولت موقت انتخاب می‌شود. پس از آن هم به دلیل فشارها علیه امیرانتظام، بازارگان او را به‌عنوان سفیر ایران در حوزه کشورهای اسکاندیناوی انتخاب کرده و روانه سوئد می‌کند. مرحوم عزت‌الله سحابی درباره امیرانتظام و مخالفت‌ها با انتخاب او در کتاب خاطرات خود توضیحات مفصّلی داده است: «پس از ورود مهندس بازارگان به جلسه نارضایتی اعضای شورای انقلاب با ایشان در میان گذاشته شد. مهندس بازارگان پس از شنیدن اعتراضات رو کرد- و با حالت عصبانی گفت، از تو دیگر انتظار نداشتم [...] این اعتراضات بیشتر به دلیل آن بود که افراد، آقای امیرانتظام را عضو نهضت نمی‌دانستند... این دلیل مهم، ظاهر شیک‌پوش و آراسته ایشان بود که با جو و فضای انقلابی آن روز شباهتی نداشت!».

بااین‌حال جالب است که تا زمانی که امیرانتظام در قید حیات بود، خرازی به بخشی از متن کتاب واکنشی نشان نداده بود؛ اما بعد از سرگ امیرانتظام به دلیل امیرکاس این بخش از کتاب در فضای مجازی، او دست به تکذیب زد.

خبر

شکایت ایران از آمریکا به دیوان بین‌المللی دادگستری

● ایسنا: وزیر خارجه ایران با تاکید بر اینکه ایران متعهد به اجرای قانون است، گفت: برای مسئول دانستن آمریکا برای وضع مجدد تحریم‌های علیه ایران، به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرده‌ایم... محمدجواد ظریف با انتشار پیامی در صفحه توئیتر خود از شکایات ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری علیه آمریکا برای وضع مجدد تحریم‌ها علیه تهران خبر داد. او در پیام خود نوشت: امروز ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری شکایتی را برای مسئول‌دانستن آمریکا به دلیل وضع مجدد غیرقانونی تحریم‌های یک‌جانبه مطرح کرد. ایران در برابر تحقیر دیپلماسی و تعهدات قانونی از سوی آمریکا، متعهد به حاکمیت قانون است. لازم است با عادت این کشور برای نقض قوانین بین‌المللی مقابله شود.